

**In the Name of Allah**

**Grammar and Writing  
Vision (1)**

**نکات گرامری و نوشتاری  
زبان انگلیسی پایه ی دهم (۱۰)**

**"A new language is a new life."  
"The English language opens doors to new horizons."**

**ساسان عزیزی نژاد (جولندان)**

**Mobile phone: 0911-183- 4070**

**ایران نوشتن**  
**توشه ای برای موفقیت**

## In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس اول پایه دهم:

be = am, is, are

Part A: Be going to

کاربرد اصلی این ساختار:

۱- قصد، تصمیم و اراده به انجام کاری در زمان آینده نزدیک (با برنامه ریزی قبلی)

- 1- I have bought some paint. I **am going to paint** my bedroom tomorrow.  
2- My father has saved some money. We **are going to buy** a new car soon.  
3- A: Do you want to go out? B: No, I **am going to watch** the match on TV.

۲- پیش بینی انجام کاری عملی در زمان آینده بر اساس نشانه ها و شواهد موجود (عینی/ ملموس) (نه براساس نظر شخصی).

- 4- Look at those dark clouds. It's **going to rain**.  
5- As (هرچه) we use more gas and electricity, the earth **is going to get** warmer.

۳- دستور به انجام کاری و یا مخالفت شدید با انجام کاری (زبان تخصصی).

- 6- You **are going to pick up** all of those toys right now. This room is a mess. (شلوغ) درهم و برهم  
7- You are **not going to make** much noise in the class.

نکته ۱: بعد از **Be going to**، فعل به صورت **مصدر بدون to** (شکل ساده) می آید. (به مثال های ۱ تا ۷ در بالا نگاه کنید)  
نکته ۲: اگر در سوالات تستی، **Be going to** نیامده باشد، گزینه ای که **مصدر با to** دارد جواب درست می باشد.

- 8- As we have decided, we **are going** ..... to our new house next month.  
a) move                      b) moving                      c) will move                      d) to move

نکته ۳: (زبان تخصصی): قصد و تصمیم به انجام کاری در گذشته: کاری عملی که در زمان گذشته، قرار بوده و یا پیش بینی شده بود اتفاق بیفتد، اما اتفاق نیفتاده است.

شکل ساده فعل + was/were going to

- 9- We **were going to buy** a new TV, but then we changed our minds.  
10- It **was going to rain**, but suddenly the sun appeared.

Part B: will کاربرد

مخفف will = 'll / will not = won't

۱- اطلاع رسانی در مورد يك واقعت: کاری عملی که حتما در زمان آینده اتفاق خواهد افتاد:

- 1- They **will hold** the meeting tomorrow.  
2- The president **will travel** to Rome next week.  
3- My daughter **will be** 12 years old next month.

۲- برای اشاره به تصمیم های آنی و لحظه ای:

- 4- A: "I'm cold." B: "I'll **close** the window."

۳- درخواست به انجام کاری به شکل جملات سوالی :

5- Will you open the door, please?

۴- پیش بینی انجام کاریا عملی در زمان آینده ( بر اساس نظرات و تجربه شخصی گوینده ) ( و نه بر اساس شواهد موجود )

6- Tom won't pass the exam.

7- I will be a doctor one day.

۵- برای بیان امیدواری ، اطمینان ، انتظار و افکار حدس و گمان و شك و تردید که به زمان آینده مربوط باشد و یا بیان احتمال به انجام کاری در آینده.

hope , think, expect ( انتظار داشتن ), suppose ( فرض و تصور کردن ), believe, be sure....

perhaps / possibly , probably , certainly ...

8- I think it will rain tomorrow.

9- I expect they 'll be here soon.

10- The exam will probably take about 2 hours.

11- A: Are you going to the park on Friday? B: I'm not sure. I will phone you on Thursday.

نکته اضافی ( زبان تخصصی ) : با قید های احتمال و فعل های مذکور ، اگر شواهد عینی و ملموس وجود داشته باشد از be going to استفاده می کنیم.

12- I have eaten too much , so I feel very bad. I think I'm going to be sick.

13- The glass is too near the edge of table. I think it is going to fall.

۶- برای قول ، پیشنهاد ، تهدید ، تمایل و عدم تمایل به انجام کاری در آینده : ( زبان تخصصی )

14- I will do it for you, I promise. ( قول )

15- The bag looks too heavy. I 'll help you with it. ( پیشنهاد )

16- I will kill you. ( تهدید )

17- A: How old is Mina? B: I don't know. She won't tell me. ( عدم تمایل )

۷- بیان انجام کاری که به شرایط بستگی دارد ( با if/ when ) : ( زبان تخصصی )

18- I 'll buy a garden when I grow up.

19- IF you stand in the rain much longer, you will get cold.

نکات کلی در مورد زمان آینده : ( زبان تخصصی )

۱- در انگلیسی بریتانیا با فاعل های ( I, we ) به جای ( will ) برای عزم ، اراده ، پیشنهاد و درخواست به انجام کاری بطور رسمی در آینده میشه از ( shall ) استفاده کرد.

20- I shall buy you a car next year.

21- Shall we go out for dinner tonight?

۲- زمان حال استمراری هم برای اشاره به زمان آینده نزدیک بکار می رود ، زمانی که مقدمات اون کار از قبل انجام شده باشد یعنی ( fixed plan / arrangement ) وجود داشته باشد .

22- I 'm seeing Reza tonight. ( I have already called him.)

23- He is leaving Tehran tomorrow. ( He has already bought his ticket)

۳- زمان حال ساده هم برای اشاره به زمان آینده نزدیک بکار می رود ، بویژه برای برنامه ها و جدول های زمان بندی شده ، مثل حرکت هواپیما ها و قطار ها و کلاس درس و تقویم ها ...

24- My plane **leaves** at three o'clock.

25- The summer terms **starts** on April 10<sup>th</sup>.

۴- بعد از کلمات (when / Before/ after / as soon as) زمان حال ساده می تواند برای اشاره به زمان آینده بکار می رود.

26- **Before** you leave tomorrow , please make sure you have turned off the lights.

27- **When** I go home tonight, I'm just going to watch TV.

### Writing

: اسم های (عام و خاص) :

اسم خاص : ( proper nouns ) : اسم خاص ، بريك شخص یا يك شی دلالت می كند و همه ی آن گروه را شامل نمی شود.  
اسم خاص، معمولاً نام يك شخص، مکان و یا يك چیز خاص می باشد.

نکته ۱ : حرف اول همه اسم های خاص با حروف بزرگ نوشته می شود.

نکته ۲ : اسم خاص معمولاً با حروف تعریف ( a / an , the ) و صفات ملکی ( my, your, his, her, its, our, )  
( their ) و صفات اشاره ( جمع = this, that / these, those = مفرد ) و وابسته های پیشین دیگر مثل ( most /  
, some , a lot of / a little / a few ) و اعداد بکار نمی رود. ( مگر در موارد خاص ، که در حیطه کتاب درسی نمی  
باشد )

Tom, Mary , Tehran, France , Mars, April, Monday ...

اسم عام : ( common nouns ) : اسمی است که بر همه ی افراد یا اشیا دلالت می كند و بین همه آنها مشترك است .

boy , woman, car, school ...

نکته ۱ : اسم های عام با حروف تعریف ( a / an , the ) و صفات ملکی ( my, your, his, her, its, our, )  
( their ) و صفات اشاره ( this, that, these, those ) و وابسته های پیشین دیگر مثل ( most / some ,  
a lot of / a little / a few ) و اعداد بکار می رود .

نکته ۲ : اسم های (عام) غیر قابل شمارش، جمع بسته نمی شوند و شکل مفرد آنها با ( a / an ) بکار نمی رود.

money/ bread / water/ tea / sugar/ milk / meat .....

نکته ۳ : اسم های (عام) قابل شمارش، جمع بسته می شوند و شکل مفرد آنها با ( a/an ) بکار می رود.

a computer- computers / an apple - apples

روش های جمع بستن اسم های قابل شمارش :

۱- برای جمع بستن اکثر اسم ها ، به آنها s اضافه می کنیم.

/ cup- cups / / tree - trees / garden - gardens /

۲- برای جمع بستن کلماتی که به حروف (s /z/x/sh/ch) ختم می شوند، به آنها (es) اضافه می کنیم.

/ bus - buses / , / quiz- quizzes / , / box- boxes / , / dish- dishes / , / watch - watches / , / fish - fishes (or fish) /

۳- کلماتی که به حروف (f/ fe) ختم می شوند، موقع جمع بستن به (ves) تبدیل می شوند.

/ wife- wives / , / life- lives / , / knife - knives (چاقو) / , / half- halves / , / leaf- leaves (برگ) / , / thief - thieves (دزد) / , / wolf- wolves / , / shelf- shelves (قفسه) / , / loaf- loaves (قرص نان) /

استثناء:

/roof- roofs / , / belief-beliefs / , / safe -safes (گاو صندوق) / , / cliff- cliffs (صخره / پرتگاه)

۴- برای جمع بستن کلماتی که به حرف (y) ختم می شوند، دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل حرف (y) حروف صدا دار (vowels) باشد، فقط s اضافه می شود.

/ day- days / , / boy- boys / , / key- keys /

ب) اگر قبل حرف (y) حروف بی صدا (consonants) باشد، به ies تبدیل می شود.

/ baby- babies / , / city- cities / , / family - families / , / fly -flies (مگس)

۵- برای جمع بستن کلماتی که به حروف (o) ختم می شوند، در حالت جمع بستن دو روش وجود دارد.

الف) اگر قبل حرف (o) حروف صدا دار (vowels) باشد، فقط s اضافه می کنیم.

/ radio- radios / , / video- videos / , / zoo- zoos /

ب) اگر قبل حرف (o) حروف بی صدا (consonants) باشد، es اضافه می شود.

/ hero- heroes / , / potato- potatoes / , / tomato- tomatoes /

استثناء:

/ kilo-kilos / , / piano- pianos / , / photo- photos /

۶- اسم های جمع بی قاعده در حد کتاب و کنکور:

/ man- men / , / woman- women / , / child- children / , / foot- feet / , / tooth- teeth / ,

/ mouse- mice (موش) / , / goose - geese (گاز) / , / deer- deer (آهو) / , / sheep- sheep (گوسفند) / ,

/ series- series (سری) / , / species-species (گونه های گیاهی و جانوری) / , / means- means (وسیله) / ,

### حرف تعریف نامعین (Indefinite Articles) : "an /a"

a/an به معنی يك است و قبل از اسامی قابل شمارش مفرد در موارد زیر به کار می روند.

(an) قبل از کلماتی که حرف اولشان یکی از حروف صدا دار (a-e-i-o-u) باشد، بکار می رود.

۱. قبل از شغل و حرفه افراد : a teacher مهندس an engineer

۲. اسم مفرد قابل شمارش که برای شنونده نامشخص و نامعین باشد . I bought a book.

There is a apple in the basket.

۳. برای بیان شمارش معادل عدد one (يك) : She had a notebook and two pens .

استثناء: در کلمات زیر، تلفظ مهم است و نه شکل نوشتاری کلمات.

a one storey house , a university , an honest person , an hour  
(یک خانه یک طبقه)  
an MP (نماینده مجلس) , an FM radio

### حرف تعریف معین ( Definite Article ) " the "

۱. قبل از اسامی که برای شنونده و گوینده مشخص و معین باشد (بوژه در جملات امری):

Open the door, please.

۲. اگر بخواهیم برای دومین بار یا بیشتر از کلمه یا اسمی که قبلاً صحبت کرده ایم استفاده کنیم.

I have a car. The car is old.

۳. قبل از پدیده های منحصر به فرد در طبیعت و جهان:

the moon / the sun / the earth / the sky / the world

۴. قبل از صفات عالی ( برترین ) و اعداد ترتیبی:

the first, the second, the best, the biggest, the most beautiful ...

۵- قبل از برخی از قسمت های روز:

in the morning, in the afternoon, in the evening

۶. قبل از نام خانوادگی که به صورت جمع بیان شود و منظور خانواده باشد:

the Smiths / the Browns

۷. قبل از نام کشورهایی که به صورت ایالت ، جمهوری و یا به شکل جمع باشند.

the Republic of Ireland

the Islamic Republic of Iran

the United States of America

the United Kingdom

the Philippines

the Netherlands

۸. قبل از اسامی رودخانه ها ، رشته کوهها ، اقیانوسها ، دریاها و خلیج ها:

the Amazon River

the Persian Gulf

the Alps

the Atlantic Ocean

۹- قبل از اسامی مکانهای عمومی هتل ها ، رستوران ها ، موزها و سینما ها و ...

the Grand Hotel , the Rex Cinema , the Mellat Park

۱۰- قبل از برخی از صفات که به کل گروه اشاره می کند

the rich , the poor , the young / the old .....

۱۱- اگر بعد از اسم ، جمله ای توصیفی ( ضمیر موصولی ) بیاید:

The man who is reading a newspaper is my father.

The cat which is on the wall is black.

### موارد عدم کاربرد the :

Ali , Tom

۱. قبل از اسامی اشخاص ، افراد :

Iran , Rasht

۲. قبل از اسامی شهرها ، کشورها :

۳. قبل از سال ، اسامی ماه ها و روزهای هفته :

in 1998, in April, on Sunday

۴. قبل از اسم غیر قابل شمارش که به صورت اسم جنس / مواد بکار می رود:

He likes milk very much.



## In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس دوم پایه دهم:

انواع صفت از نظر مقایسه :

۱ - صفت برابری (تساوی) ( equality ) : این صفت برای بیان مقایسه و تساوی، مابین دو چیز، دو شخص یا دو موقعیت استفاده می شود.

الگوی صفت برابر :

as + صفت + as

- 1- Reza is 10 years old. Ali is 10 years old. Reza is as old as Ali.  
2- This ruler is 50 centimeters long. That ruler is 50 centimeters long.  
This ruler is as long as that ruler.

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی) : اگر جمله منفی باشد، از الگوی زیر هم میشه استفاده کرد.  
(استفاده از این الگو اختیاری است)

( not ) so + صفت + as

- 3 - A cow is not so big as an elephant. (= A cow is not as big as an elephant.)

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی) : به الگوی های زیر برای درك بیشتر صفت های برابر توجه فرمایید:

as many + اسم جمع + as

- 4- This book has as many pages as that book.

as much + اسم غیر قابل شمارش + as

- 5- This bottle has as much milk as that one.

the same + اسم + as

- 6- My father is 65 years old. My mother is 65 years old.  
My father is the same age as my mother. (= my father is as old as my mother.)

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی) : الگوی قید برابر هم، مثل صفت برابر می باشد (قید يك فعل را توصیف می کند)

as + قید + as

- 7- I drive my car as carefully as my father.  
8- I can speak English as well as my friend.

۲ - صفت برتر (تفصیلی) **comparative adjectives** : معمولاً برای بیان برتری يك چیز بر يك چیز دیگر، یا يك شخص بر يك شخص دیگر استفاده می شود.

1 صفت برتر **er + than + صفت يك بخشی**

- 1- Ali is older than Reza.  
2- She is taller than I am. (OR me) (informal)

2 صفت برتر **more + صفت چند بخشی + than**

- 3- This house is more beautiful than that house.  
4- Girls are more successful than boys in oral skills.

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی): در ساختار بالا، به جای **more** در معنای عکس، از **less** استفاده می شود.

- 5- This story is less interesting than that one.  
6- This book is less expensive than that book.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): برای توصیف و تأکید بر صفات برتر، از کلمات (خیلی) **a bit, much / a lot / far** و (نسبتاً) استفاده می شود. **rather / a little / very** قبل از صفات برتر، نباید از استفاده شود.

- 7- My sister is much / far older than me.  
8- Chinese is much / far more difficult than English.  
9- He is a lot happier than his sister.  
10- There are a far / a lot greater number of women working in television than 20 years ago.  
11- This book is a bit easier than that one.  
12- This lesson is rather more difficult than that one.  
13- This house is a little more expensive than that house.

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی): به ساختار های زیر توجه فرمایید: (تأثیر يك عمل بر عمل دیگر)

- 14- The older I get, the happier I am.  
15- The more dangerous it is, the more I like it.  
16- The stronger, the better.

نکته اضافی ۴ (زبان تخصصی): الگوی قید برتر هم، مثل صفت برتر می باشد (قید يك فعل را توصیف می کند)

- 17- My sister speaks English faster than my mother.  
18- Mina talks more politely than her brother.



۳ - صفت برترین ( عالی ) ( **superlative adjective** ) : برای بیان برتری يك چیز به تمام چیزها و یا يك شخص به کل اشخاص دیگر به کار می رود.

1 صفت برترین ( اسم هم نوع + **of** ) / ( اسم مکان + **in** ) **... est + صفت يك بخشی + the**

- 1- This tree is **the tallest** tree **in** our garden.  
2- This dictionary is **the largest of** all others.

2 صفت برترین ( اسم هم نوع + **of** ) / ( اسم مکان + **in** ) **..... the most + صفت چند بخشی**

- 3- Tehran is **the most expensive** city **in** Iran.  
4- This is **the most interesting** movie **that I have ever seen**.

- ( حال کامل = ماضی قلی ) یکی دیگر از علایم صفت برترین می باشد.

نکته اضافی ۱ ( زبان تخصصی ) : در ساختار بالا، به جای **the most** در معنای عکس، از **the least** استفاده می شود.

- 5- This story is **the least interesting** story **in** this book.

نکته اضافی ۲ ( زبان تخصصی ) : الگوی **قید برترین** هم، مثل صفت برترین می باشد ( قید يك فعل را توصیف می کند )

- 6- David **runs the fastest of** all the runners on the team.  
7- **Of** the three drivers, Reza drives **the most carefully**.

نکته اضافی ۲ ( زبان تخصصی ) : برای توصیف و تأکید بر صفات برترین، از کلمات ( تا حد زیادی / با اختلاف زیاد ) **by far** / **quite** ( کاملاً ) و **nearly** / و ... استفاده می شود.

- 8- She is **by far the oldest** in our class.  
9- He is **quite the most stupid** man that I have ever met.  
10- He is **nearly the youngest** student in our school.

نکات کلی در مورد صفات از نظر مقایسه :

نکته ۱ : اگر صفت دو بخشی به **y** ختم شود، همانند صفت يك بخشی در حالت برتر **er** و در حالت برترین **est** می گیرند.

به املاي کلمات ( **-iest / -ier** ) دقت شود. برخی از صفات دو بخشی که به **y** ختم می شوند عبارتند از :

**busy / easy / heavy / happy / pretty / lazy / early / friendly / lovely / funny / wealthy ...**

- 1- This lesson is **easier than** that one.

ثروتمند

- 2- This lesson is **the easiest one in** our book.

نکته اضافی ۲ ( زبان تخصصی ) : برای کلمات زیر در حالت مقایسه ( برتر و برترین ) ، از دو روش میشه استفاده کرد ، هم می تواند در

حالت برتر **er** و در حالت برترین **est** بگیرند و هم می توانیم قبل از آنها، **more** و **the most** بپاریم.

( هر چند که در مورد همه ی این کلمات ، اتفاق نظر کامل، بین گرامر نویسندگان وجود ندارد. )

**clever** = ( باهوش و زرنگ )

**simple** = ( ساده )

**quiet** = ( آرام و ساکت )

**common** = ( رایج و متداول )

**pleasant** = ( خوشایند و دلپذیر )

**gentle** = ( ملایم و نجیب )

**narrow** = ( باریک )

**shallow** = ( کم عمق )

**polite** = ( باادب )

- 3- This question is **simpler than** that question.

= This question is **more simple than** that question.

- 4- My brother was much **cleverer than** I was at school.

= My brother was much **more clever than** I was at school.

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی): صفت برتر و برترین کلمه (old) به شکل **older, the oldest** می باشد، اما در **British English**، برای احترام، فقط برای اعضای خانواده، صفت برتر و برترین کلمه (old)، به شکل **elder, the eldest** قبل اسم هم بکار می رود.

5- This is Maryam. She is my **elder sister**. OR This is Maryam. She is my **older sister**.

6- Kathy is **the eldest member** of the family. OR Kathy is **the oldest member** of the family.

7- I think your grandmother is **older than** my grandmother. (جمله ی درست)

8- I think your grandmother is **elder than** my grandmother. (جمله ی نادرست)

### صفات بی قاعده:

برخی از صفات در حالت های برتر و برترین از الگوهای بالا پیروی نمی کنند، بلکه دارای شکل خاصی در حالت های برتر و برترین هستند و آنها را باید به خاطر سپرد.

صفت ساده	صفت برتر	صفت برترین
good خوب	better بهتر	the best بهترین
bad بد	worse بدتر	the worst بدترین
many / much زیاد	more بیشتر	the most بیشترین
little کم	less کمتر	the least کمترین
دور / بیش	farther / further دورتر / پیشتر	the farthest / the furthest

9- My handwriting is **worse than** his handwriting. (**bad**)

10- Ali is **the best** student **in** the class. (**good**)

11- Your library has **more** books **than** our library. (**many**)

12- I have **less** money **than** you. (**little**)

13- The nearest house was **much farther than** she thought. (**far**)

14- **The farthest** end of the garden has a lot of grass. (**far**)

### صفات ها / Adjectives:

صفت کلمه ای است که اسم را توصیف می کند  
انواع صفت ها عبارتند از:

#### ۱- Quality (کیفیت) / Opinion (نظر و عقیده):

nice / neat (مرتب و تمیز) / boring / beautiful / expensive / lovely / funny / interesting ...

#### ۲- Size (اندازه و سائز):

small / little / large / big / short / tall / long / ...

#### ۳- Age (سن و قدمت):

Young / new / old / modern / ...

#### ۴- Shape (شکل):

round گرد و مدور / wide پهن / square مربع ...

۵- color (رنگ):

white / red / black / yellow / blue / brown / gray / ...

۶- Nationality / Origin (ملیت و مبدأ):

Iranian/ German / Turkish / Chinese / English / Brazilian / ...

۷- Material (جنس و مواد):

wooden / چوبی / rocky / صخره ای / metal / فلز / gold / silver / برنز / bronze / آهن / plastic / ...  
طلا / طلایی رنگ / golden \* / چرم / leather / شیشه / glass / نخ / cotton / ابریشم / silk

۸- Purpose (هدف و کاربرد): این کلمات اسم هستند که اسم های بعد از خود را توصیف می کنند

Sports cars / a school bus / a shopping bag...

نکته اضافی (زبان تخصصی): صفت های مربوط به شماره ای ۴ و ۸ در کتاب درسی نیومده است اما بهتر است که یاد گرفته شوند صفت های دیگری هم وجود دارد مثل (ارتفاع) height / طول length ( که بعد از صفت (size) ،  
(temperature دما ) بعد از صفت (age) و (pattern) بعد از صفت (color) می آید که خارج از حیطه ی کتاب درسی و کنکور می باشد

طرز قرار گرفتن چند صفت پشت سر هم قبل از اسم :

Determiner + quality + size + (age) + (shape) + color + nationality + material + (purpose) + noun

اسم + ( اسم کاربرد ) + جنس + ملیت + رنگ + (شکل) + ( سن / قدمت ) + اندازه + کیفیت + شناسه

It is a nice big old round black Italian iron tennis racket.

آن یک راکت تنیس آهنی ایتالیایی گرد مشکی قدیمی بزرگ خوب است .

an interesting old French painting

a nice new green shirt

the beautiful Persian silk carpet

- برای یاد گیری ترتیب صفات در کتاب درسی کلمه ( شکارم جا ) را به یاد داشته باشید
- برای یاد گیری ترتیب صفات در حالت کلی شکا ( س / ش ) رم جا را به یاد داشته باشید
- در باره جزئیات ترتیب صفات قبل اسم اتفاق نظر کامل بین گرامر نویسان نیست ولی فرمول ارائه شده در بالا همیشه در سوال های کنکور جواب می دهد .

- در کتابهای جدید انگلیسی صفت کیفیت ( quality ) را صفت نظر / عقیده ( opinion ) می نامند  
شناسه ها ( مشخصه ها / توصیف کننده ها ) عبارتند از :

۱- حروف تعریف ( a / an / the )

۲- صفات عددی ( اول عدد ترتیبی بعد عدد شمارشی ) the first two days

۳- صفات اشاره ( this / that / these / those )

۴- صفات ملکی ( my / your / his / her / its / our / their )

۵- صفات کمی ( some / a few / no / any / a little / a lot of / much / many ... )

۱ - قبل از اسم :

1-It was a beautiful flower.

اسم صفت

2- My friend has powerful arms and legs.

اسم صفت

۲ - بعد از افعال ربطی ( linking verbs ) :

مهم ترین افعال ربطی عبارتند از :

to be (am, is, are , was , were... )= بودن/ هستن

become= شدن

taste= مزه داشتن / دادن

feel= احساس کردن

look= به نظر رسیدن

seem= به نظر رسیدن

appear= به نظر رسیدن

smell= بو داشتن / دادن

get= شدن

grow= شدن

sound= به نظر رسیدن

stay / remain ( healthy / silent)= ماندن ( سالم / ساکت )

3- He looks angry.

صفت

4-The soup tastes nice.

صفت

5-It's getting dark.

صفت

6- The whole story sounded very odd. ( عجیب )

صفت

7- He tried hard to appear calm. ( آرام )

صفت

نکته ی اضافی (زبان تخصصی) : اگر فعل های مذکور ، در معانی زیر باشند، فعل اصلی به حساب می آیند .

taste= چشیدن

appear= ظاهر شدن

smell= بویدن

sound= صدا دادن

feel= حس کردن

grow= رویدن / پرورش دادن

get= گرفتن

stay/remain= ماندن ( در یک مکان )

8- I tasted the soup.

9-A few small white clouds appeared in the sky.

10-She smelled the flower.

11- I feel the wind.

12- He sounded his horn to warn the other drivers.

horn = بوق ماشین      warn= اخطار دادن / هشدار دادن

**صفت + واحد شمارش و اندازه گیری + to be**

13-My watch is five minutes slow.

صفت واحد شمارش

14- This table is two meters long.

صفت واحد شمارش

نکته ی اضافی ۱ (زبان تخصصی): در زبان انگلیسی برخی از صفت ها، قبل از اسم نمی آیند و فقط بعد از فعل های ربطی می آیند

**alive=** ( زنده )      **awake=** ( بیدار )      **asleep =** ( خوابیده )      **alone=** ( تنها )      **afraid=** ( ترسیده )

**ashamed=** ( شرمند )      **aware=** ( آگاه )      **\*ill=** ( بیمار )      **\*well=** ( سالم و تندرست )

15-The fish is alive. ( جمله درست )

16-\*It is an alive fish. ( جمله نادرست )

17-It is a live fish. ( جمله درست )

18- He looks ill. ( جمله درست )

19-\*He is an ill child. ( جمله نادرست )      He is a sick child. ( جمله درست )

نکته : اگر صفت (ill) به معنی ( bad/ harmful/ ... ) باشد می تواند قبل از اسم بیاد .

20- He quit his job because of ill health.

21-She suffered no ill effects from the experience.

22- It is a bird of ill omen. ( بدین )

23-When I'm in the mountain, I am always well. ( جمله درست )

24-\*He is a well man. ( جمله نادرست ) /

25- He is a healthy / fit man. ( جمله درست )

نکته ی اضافی ۲ (زبان تخصصی): در زبان انگلیسی برخی از صفت ها، فقط قبل از اسم می آیند و بعد از فعل های ربطی نمی آیند

**elder/ eldest=** ( مسن تر / مسن ترین )      **little=** ( کوچک )

**deadly=** ( کشنده و مرگبار )      **bloody=** ( خونی )

26-My elder brother got married last year.

27 -\*My brother is elder than your brother. ( جمله نادرست )

28-She had a nice little house. ( جمله درست )

29-\*Her house was little. ( جمله نادرست )

## In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس سوم پایه دهم:

زمان گذشته استمراری : ( past continuous / progressive )

**was/ were + فعل +ing** : طرز ساخت گذشته استمراری

1- He was writing a letter between 9 and 10 last night.

2- They were watching TV all night.

نکته ۱: برای منفی کردن زمان گذشته استمراری، بعد از فعل های کمکی ( was / were )، ( not ) یا شکل مخفف ( n't ) را می آوریم.

3- He was not(n't) writing a letter between 9 and 10 last night.

4- They were not(n't) watching TV all night.

نکته ۲: برای سوالی کردن زمان گذشته استمراری، جای فعل های کمکی ( was / were )، با فاعل عوض می کنیم.

5- Was he writing a letter between 9 and 10 last night?

6- Were they watching TV all night?

موارد کاربرد زمان گذشته استمراری :

۱- بیان عمل یا رویدادی که در زمان معینی ( مشخصی ) در گذشته در حال انجام ( در جریان ) بوده است. در این کاربرد زمان دقیق آغاز و پایان آن عمل یا اتفاق مشخص نشده است.

7- I was watching football at this time yesterday.

8 - They were studying English all day yesterday.

۲- بیان عمل یا رویدادی که در گذشته ادامه داشته و کار دیگری با آن تلاقی پیدا می کند ( در این کاربرد ) در اکثر موارد، گذشته استمراری همراه با گذشته ساده بکار می رود. در چنین حالتی، گذشته استمراری بر کارها و فعالیت های طولانی تر ( که در پس زمینه هستند ) دلالت می کند، در حالی که گذشته ساده بر کارها و فعالیت هایی دلالت می کند که در میانه کارهای طولانی تر واقع شده اند که در زمان کمتری به طول می انجامد.

نکته ۱: در این کاربرد، از حروف ربط ( when / as / while ) استفاده می شود. الگوی استفاده از این حروف ربط، معمولاً به شرح زیر است.

گذشته استمراری ، گذشته ساده When

گذشته ساده when گذشته استمراری

9- When My father came in, I was reading a story book.

(OR) I was reading a story book when my father came in.

گذشته ساده ، گذشته استمراری While / As

گذشته استمراری while/as گذشته ساده

10- While he was watching TV, the phone rang. (OR) The phone rang while he was watching TV.

11- As they were walking in the street, they saw the accident.

(OR) They saw the accident as they were walking in the street.

نکته ۲: در ساختار دوم، به جای ( while / as )، ویژه در انگلیسی بریتانیا، از ( when ) هم میشه استفاده کرد.

13- I met her when / as / while we were working for the same company.



نکته ۳: در این کاربرد، قبل از گذشته ساده، تنها از (when) میشه استفاده کرد. (به عبارت دیگر (while / as) با گذشته ساده که نشان دهنده يك عمل کوتاه و لحظه ای است، بکار نمی رود.)

13- **When I met** her, we **were working** for the same company. (جمله درست)

\* **While I met** her, we **were working** for the same company. (جمله نادرست)

\* **As I met** her, we **were working** for the same company. (جمله نادرست)

۳- گذشته استمراری برای بیان دو عمل که به طور هم زمان در زمان گذشته در حال انجام بوده است، نیز بکار می رود.

گذشته استمراری , گذشته استمراری When / While / As  
گذشته استمراری when / while / as گذشته استمراری

14- **While / As / When** my mother **was cooking** lunch, my father **was reading** a newspaper.  
(OR) My father **was reading** a newspaper, **while / as / when** my mother **was cooking** lunch.

۴- بیان توصیفات در داستان ها:

15- The sun **was shining**. People **were sitting** under the trees or **walking** around the park.  
Suddenly a car **drove** into the park.

۵- برای بیان تغییر و یا رشد (پیشرفت تدریجی کاری یا اتفاقی) در زمان گذشته بدون ذکر قید زمان :

16- It **was getting** dark.

17- The children **were growing up** quickly.

18- My hair **was going** gray.

۶- کاریا عملی که بارها و بارها در زمان گذشته تکرار شده باشد (بویژه برای بیان شکایت و گله مندی از يك عملی). معمولاً در این کاربرد قید تکرار (always) بین فعل کمکی و فعل اصلی میاد.

19- He **was always leaving** his dirty clothes on the floor.

20. My sons **were always fighting**.

21- I **was practicing** the piano every day, three times a day. (جمله درست)

22- I **practiced** the piano every day, three times a day. (جمله درست)

- برای درك بیشتر، دو جمله ی زیر را با هم مقایسه کنید

23- **When** the guests **arrived**, my mother **was cooking** dinner.

وقتی مهمان ها رسیدند، مادرم داشت شام درست می کرد.

(شام درست کردن مادرم قبل از آمدن مهمان ها شروع شده بود و زمانی که مهمانان رسیدند، شام پختن او ادامه داشت.)

24- **When** the guests **arrived**, my mother **cooked** dinner.

اول مهمان ها رسیدند، سپس مادرم شام را درست کرد. (شام درست کردن مادرم بعد از آمدن مهمان ها شروع شد)

۷- زمان گذشته استمراری، گاهی اوقات در زبان محاوره، برای بیان مودبانه يك تقاضا یا پیشنهاد با افعال (wonder/ think) استفاده می شود.

25- I **was wondering** if I could borrow your car?

26- I **was wondering** if you would like to come to the concert?

نکته: فعل های حالت ( State verbs ) که معمولاً حالت یا وضعیت را نشان می دهند به شکل استمراری ( حال استمراری و گذشته استمراری ... ) بکار نمی روند

27-I needed a taxi at 2 o'clock yesterday. ( جمله درست )

28-\*I was needing a taxi at 2 o'clock yesterday. ( جمله نادرست )

29- I know him very well. ( جمله درست )

30-\*I am knowing him very well. ( جمله نادرست )

### • بخش ( writing ) درس ۳

افعال به دو گروه طبقه بندی می شوند

۲- افعال حالت / ایستایی ( State Verbs )

۱- افعال کنشی / حرکتی ( Action Verbs )

افعال کنش / حرکت ( Action Verbs ) : افعالی هستند که انجام عمل، حرکت یا تغییر حالت را بیان می کنند.

walk / study / say / write / go / visit / drink ...

نکته : افعال کنشی را می توان هم به شکل ساده و هم استمراری بکار برد.

1- He walked to school yesterday.

2- While he was walking to school, he saw the accident.

۲- افعال حالت / ایستایی ( State Verbs ) : افعالی هستند که حالت، احساس، فکر و عقیده را بیان می کنند

برخی از افعال حالت ( ایستایی ) در حد کتاب درسی و کککور عبارتند از :

۱- افعال مالکیت :

دارا بودن / داشتن = possess      تعلق داشتن = belong to      مالک بودن = own      داشتن = have

۲- افعال مربوط به حس ها، احساس و نیاز :

متغیر بودن = dislike=hate      دوست داشتن = love=like      آرزو داشتن = wish      نیاز داشتن = need      خواستن = want

مزه دادن = taste      بو دادن = smell      دیدن = see      ترسیدن = fear      ترجیح دادن = prefer

شنیدن = hear

۳- افعال مربوط به بیان عقیده، نظر و فکر :

فراموش کردن = forget      به یاد آوردن = remember      اعتقاد داشتن = believe      عقیده داشتن / فکر کردن = think

انتظار داشتن = expect      تصور داشتن = imagine      دانستن = know      فهمیدن = understand

تشخیص دادن = realize=recognize      مخالف بودن = disagree      موافق بودن = agree

۴- افعال مربوط به موجودیت :

شامل شدن / دربر داشتن = consist of=contain/ include      وجود داشتن = exist      بودن = be

۵- افعال مربوط به ظاهر و قیافه :

به نظر رسیدن = sound      به نظر رسیدن = appear      به نظر رسیدن = seem

۶- برخی از افعال حالت دیگر :

اهمیت داشتن = mind=matter      معنی داشتن = mean      وابسته بودن = depend on      وزن داشتن = weigh

قیمت داشتن = cost

نکته مهم: برخی از افعال حالت (ایستایی)، می توانند فعل کشی نیز محسوب شوند، که معانی متفاوتی دارند این فعل ها در این معانی جدید، به شکل استمراری هم می توانند بکار روند برخی از این افعال عبارتند از:

weigh= وزن کردن      فکر (فکر کردن) کردن در مورد کسی یا چیزی = think      ملاقات کردن = see      خوردن = have

3- I am seeing the doctor at 6 tomorrow. (ملاقات کردن) (جمله درست)

4- I see you now. (دیدن) (جمله درست)

5- \*I am seeing you now. (دیدن) (جمله نادرست)

### ضمایر انعکاسی و تأکیدی: Reflexive Pronouns

ضمایر انعکاسی: وقتی فاعل و مفعول جمله هر دو یک شخص یا یک چیز باشد به جای ضمیر مفعولی از ضمایر انعکاسی استفاده می شود. ضمایر انعکاسی عبارتند از:

myself	خودم	ourselves	خودمان
yourself	خودت	yourselves	خودتان
himself	(مذکر) خودش		
herself	(مؤنث) خودش	themselves	خودشان
itself	(غیر انسان) خودش		

1- I saw myself in the mirror.

2- She burnt herself.

نکته ۱: اضافی ۱: برخی از افعال مانند buy , make , show , send , give می توانند دو مفعول داشته باشند.

۱- مفعول مستقیم (شی)      ۲- مفعول غیر مستقیم (شخصی)

3. He made a cake for himself.

4. He made himself a cake.

مفعول شخصی + for/to + مفعول شی

مفعول شی + مفعول شخصی

در این ساختار حرف اضافه for , to حذف می شود.

نکته ۲: اضافی ۲: ضمیر انعکاسی، اگر به همراه by در آخر جمله بیاید، معنی «به تنهایی» = alone / without help / on (my, your ...) own را می دهند.

5- I did my homework by myself. (= alone / on my own)

6- Do your job by yourself. (= alone / on your own)

ضمایر تأکیدی: ضمایر انعکاسی اگر برای تأکید بر روی فاعل و مفعول جمله بکار بروند به آنها ضمایر تأکیدی گفته می شود.  
ضمایر تأکیدی برای تأکید بر فاعل جمله در دو جا بکار می روند:

الف) بعد از فاعل      ب) بعد از مفعول

7- I myself repaired the bicycle. (من خودم دوچرخه را تعمیر کردم (نه شخص دیگری))

8- I repaired the bicycle myself.

در مثالهای بالا "myself" خودم" بر فاعل I تأکید دارد.

### تأکید بر مفعول جمله :

- ضمائر تأکیدی برای تأکید بر مفعول جمله فقط بعد از مفعول جمله بکار می رود.

9- I like the house itself, but I don't like the neighbors.

من خود خانه را دوست دارم ، اما همسایه ها را دوست ندارم.

در مثال بالا itself بر مفعول جمله the house تأکید دارد.

10 - I want to see the President himself.

نکات اضافی در مورد ضمائر انعکاسی و تأکیدی :

نکته اضافی ۱ ( زبان تخصصی ) : معمولاً بعد از حروف اضافه ( مکان ) از ضمائر مفعولی استفاده می کنیم که در فارسی معنی ضمائر انعکاسی را می دهند.

11- She took her dog with her. ( جمله درست ) او سگش را با خودش برد .

\*She took her dog with herself. ( جمله نادرست )

12- They put their child between them. ( جمله درست ) آنها بچه خود را بین خودشان قرار دادند .

\*They put their child between themselves. ( جمله نادرست )

13- I saw a beautiful car in front of me. ( جمله درست )

\* I saw a beautiful car in front of myself. ( جمله نادرست )

14- He was pulling a small cart behind him. ( جمله درست ) او یک گاری کوچک را پشت سر خودش می کشید .

\* He was pulling a small cart behind himself. ( جمله نادرست )

نکته اضافی ۲ ( زبان تخصصی ) : بعد از افعال دو کلمه ای ( عبارتهای فعلی ) و صفت هایی که همراه حرف اضافه می آیند ، همیشه از ضمائر انعکاسی استفاده کرد.

15-She was pleased with herself. او از خودش راضی بود .

16-You can be proud of yourself. شما می توانید به خودتان افتخار کنید .

17-You should take care of yourself. شما باید مواظب خودتان باشید .

نکته اضافی ۳ ( زبان تخصصی ) : ضمائر انعکاسی گاهی اوقات به جای ضمائر فاعلی و مفعولی هم بکار می رود.

18-Everybody was early except myself ( OR I / me )

19-There will be four of us at dinner: Robert, Alison, Jenny and myself (OR I / me)

نکته اضافی ۴ ( زبان تخصصی ) : معمولاً با فعل های { dress/ wash / shave } که فعالیت های روزانه را نشان می دهند ، ضمائر انعکاسی بکار نمی رود .

\*20- Reza washed himself in cold water. ( جمله نادرست ) او دست و روی خود را با آب شست .

\*21- He always shaves ( اصلاح می که ) himself before going out in the evening. ( جمله نادرست )

\*22- Mina dressed herself and got ready for the party. ( جمله نادرست )

مینا لباس های خود را پوشید و برای مهمانی آماده شد

توجه : فعل های مذکور را برای تأکید ، همیشه با ضمائر انعکاسی بکار برد.

23-She dressed herself in spite of ( علیرغم ) her injuries.

24-He is old enough to wash himself now.

نکته اضافی ۵ ( زبان تخصصی ) : به اصطلاحات زیر با کلمه ی (خود=own) ، که تقریباً معنی ضمائر انعکاسی را در فارسی می دهند توجه کنید

- 25- I would like to have a place **of my own**. من می خواهم که يك جایی برای خودم داشته باشم.  
26- I always type **my own** letters. من همیشه نامه ها را خودم تایپ می کنم.  
27- The children have both got **their own** rooms. بچه ها هر دو اتاق های خودشان را دارند .

نکته اضافی ۶ ( زبان تخصصی ) : به برخی اصطلاحات زیر که با ضمائر انعکاسی می آیند دقت کنید

- 28- We enjoyed **ourselves**. به ما خوش گذشت  
29- Help **yourself**. از خودتان پذیرایی کنید  
30- Make **yourself** at home. راحت باشید / خونه خودتونه  
31- **Behave yourself** at grandfather's house. مراقب رفتار خودتان در خونه پدر بزرگ باش.

نکته اضافی ۷ ( زبان تخصصی ) : توجه کنید که از ضمائر انعکاسی به جای ( **each other / one another** ) استفاده نکنید

- 32- John and Mary are strange: They talk to **themselves** a lot. آنها هریک فقط با خودشان صحبت می کنند  
33- John and Mary talk **to each other** on the phone every day. جان با مری صحبت می که ، و مری هم با جان  
34- Mark and Sara killed **themselves**. مارک و سارا خودشان را کشتند  
35- Mark and Sara killed **each other**. مارک و سارا همدیگر را کشتند  
36- Bill and Mary gave **one another** Christmas presents last year.  
37- The birds fought **each other** over the bread.  
\*36- The birds fought **with themselves** over the bread. ( جمله نادرست )

توجه: معمولاً بعد از فعل های ( **meet / marry** ) از ( **each other** ) استفاده نمی کنند.

- \*38- Reza and Ali **met each other** in 1998. ( جمله نادرست )  
\*39- Susan and Peter **married with each other** in 2012. ( جمله نادرست )

نکته اضافی ۸ ( زبان تخصصی ) : ضمیر انعکاسی و تأکیدی ، برای کلمه ( **one** ) ، **oneself** می باشد .

- 40- **One** often hurts **oneself** accidentally.  
41- **One** has to ask **oneself** what the purpose of the exercise is.  
42- Some things **one** must do **oneself**.  
43- It is easy to feel sorry for **oneself**.



## In the Name of Allah

گرامر و بخش (writing) درس چهارم پایه دهم:

افعال کمکی خاص (وجهی) (Modals): بعد از این افعال کمکی ناقص، فعل اصلی به صورت ساده (مصدر بدون to) بکار می رود.

can / may / should / must

موارد کاربرد فعل کمکی can:

۱- توانایی انجام کاری یا عملی در زمان حال یا آینده (Ability):

1-I can speak French.

2-She can swim well.

۲- درخواست انجام کاری یا عملی (Request):

3- Can you help me lift this box?

4- Can you put the children to bed?

5- Can you answer the phone, please?

۳- پیشنهاد انجام کاری یا عملی (Offer):

6- Can I help you?

7- Can I get you a cup of coffee?

8- We can eat in a restaurant if you like.

۴- اجازه انجام کاری یا عملی (Permission):

9- You can stop work early today.

10- You can go if you want to.

11- You can park here. It is no parking zone [منطقه/ جای پارک].

12- "Can we go home now, please?" "No, you can't."

13- A: "Can I use your car?" B: "Sure, you can use it."

۵- احتمال انجام کاری یا عملی (Possibility):

14- We can go to Paris this weekend. (possible in the situation)

15- These roses can grow anywhere. (general possibility)

16- The temperature can sometimes reach 35°C in July. (general possibility)

17- Who can that be at the door?

18- It can't be true. (negative certainty)

19- This can't be the right road.

۶- به معنی حال استمراری (present progressive meaning): بویژه فعل هایی که بصورت استمراری بکار نمی روند

20- I can hear the sea.

21- Hey they are. I can see their car.

22- I can't understand why you are so upset.

۷- فعل "can't = cannot" برای مطمئن بودن از چیزی که غیر ممکن است، بکار می رود.

23- You have just had lunch. You can't be hungry.



نکته اضافی ۱: "can" و "be able to" هر دو برای توانایی انجام کار بکار می رود. در برخی موارد به جای یکدیگر بکار می روند

24- She can speak English well.

25- She is able to speak English well. ( يك كمي رسمي تر است )

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): "be able to" بیشتر برای يك دستاورد و موفقیت خاص بکار می رود بویژه چیزی که سخت باشد و نیاز به تلاش بیشتری داشته باشد

26-He has now recovered [بهبود یافته] from his injury and is able to drive again.

### موارد کاربرد فعل کمکی "May":

۱- برای احتمال کار یا عملی در زمان حال یا آینده (Possibility):

1- It may rain tomorrow.

2- It may be late, so don't wait for me.

3- That may not be true.

۲- اجازه انجام کار یا عملی (Permissin) بیشتر در سبک رسمی:

4- May I use your cellphone?

5- May I leave the classroom?

6- Thank you. You may go now.

7- You may smoke outside.

۳- برای بیان آرزو و امید (Wishes and Hopes):

8- May God be with you.

9- May you win.

10- May New Year bring you all your heart desires.

11- May she rest in peace. (دعا برای فردی که رحلت (فوت) کرده)

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی): "May" بصورت سوال مسقیم در باره وقایع و موقعیت های احتمالی بکار نمی رود.

12- May the price of petrol rise again this year? (جمله نادرست)

13- Do you think the price of petrol will rise again this year? (جمله درست)

14- Is the price of petrol likely to rise again this year? (جمله درست)

15- Might the price of petrol rise again this year? (formal) (جمله درست)

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): "May" در سبک رسمی بصورت مودبانه برای پرسیدن سوال غیر مسقیم بکار می رود.

16- May I ask why you took that decision? [تصمیم]

### موارد کاربرد (Should):

۱- برای بیان نصیحت، اندرز، توصیه و بهتر بودن انجام کار یا عملی در زمان حال و آینده (Advice & recommendation)

1- You look tired. You should go to bed.

2- I think the government should do more to help homeless people.

۲- برای بیان انجام وظیفه و مسولیت (**Responsibility or Duty**) :

- 3- I **should visit** my parents more often.
- 4- A restaurant's kitchen **should be** clean at all times ( **but some aren't**)
- 5- A teacher **should be** well-prepared for every class.
- 6- A student **shouldn't waste** his parents' money.

۳- برای بیان انتظار (**Expectations**) : کاریا عملی که مطمئن هستیم در آینده اتفاق خواهد افتاد به خاطر آشنایی قبلی با آن وضعیت و فرد و...

- 7- We **should reach** the airport in about twenty minutes. (The traffic is not heavy. The streets are dry. I only live eight miles from the airport. I have made this trip many times.)
- 8- Ali **should get** an A in grammar. ( He has received high grades on all his tests, attends all classes and completes all homework assignments [تکالیف] thoroughly [طور] کامل.)
- 9- Bob **should be** sick tomorrow. ( He ate four big pizzas and two bottles of soft drinks before going to bed.)

نکته اضافی ۱) (زبان تخصصی) : کلمه (**had better = 'd better**) موقعی استفاده میشه که اگر فرد، چیزی را که مطلوب و دلخواه باشه را انجام ندهد، نتایج و تاثیرات منفی خواهد داشت.

- 10- She **had better get** here soon or [وگرنه] she will miss the opening ceremony [مراسم افتتاحیه/آغازین].

11- It's five o'clock. I **'d better go** now before the traffic gets too bad.

12- I **'d better not go** out tonight. I'm really tired.

نکته اضافی ۲) (زبان تخصصی) : کلمه ی (**ought to**) برای چیزی که مطلوب و ایده آل باشه، بویژه در سبک رسمی انگلیسی بریتانیا بکار می رود.

13- They **ought to have** more parks in the city center.

14- We **ought to eat** lots of fruit and vegetables every day.

موارد کاربرد (**must**) :

۱- برای بیان الزام و ضرورت شدید شخصی: (**Strong Personal Obligation/ Necessity**)

- 1- I **must go** to bed earlier.
- 2- I **must buy** some new clothes. My clothes look so old.

۲- برای بیان استنباط و نتیجه گیری (احتمال زیاد) : (**Deduction and Conclusion ( high probability)**)

- 3- He is so small. He **must be** no more than 4 years old.
- 4- You **must be** Anna's sister- you look like her.
- 5- Mary **must have** a problem. She keeps crying.

نکته (زبان تخصصی): در این کاربرد (must) را نمی توان به شکل منفی (mustn't) بکاربرد. و برای شکل منفی آن از (can't) استفاده می شود.

6- Mary mustn't have a problem. She keeps laughing. (جمله نادرست)

7- Mary can't have a problem. She keeps laughing. (جمله درست)

۳- در اطلاعیه های عمومی و علائم هشدار دهنده که نشانگر قوانین، امر و نهی و ... می باشد

Public signs and notices indicating laws, rules or prohibition:

8- You must wash your hands before returning to work.

9- You must leave the building if the fire alarm sounds.

10- You must not leave any rubbish in the area.

۴- برای بیان دعوت مودبانه و تشویق به انجام کاری (زبان تخصصی): (Polite invitation or encouragement:)

11- You must come and see us soon

12- You must try some of this chocolate cake. It's delicious.

۵- برای بیان نقد و انتقاد (criticisms) به شکل جمله سوالی (زبان تخصصی):

13- Must I clean all the rooms?

14- Must you keep playing the terrible music?

15- Why must you always leave the door open?

نکته اضافی ۱ (زبان تخصصی): برای الزام و ضرورت بیرونی (یعنی الزام از طرف فرد یا موقعیت بیرونی) به جای (must) از (have to) استفاده می شود.

16- I have to buy some new clothes. I'm starting a new job as a teacher.

We have to wear formal clothes.

17- She has to arrive at work at 9. Her boss [رئیس] is very strict [سخت گیر].

18- You have to pass your exam or (وگرنه) the university will not accept you.

نکته اضافی ۲ (زبان تخصصی): بویژه در انگلیسی محاوره ای بریتانیا به جای (have to) از (have got to) استفاده می شود.

19- I have got to take this book back to the library or I'll *get a fine* [جریمه شدن].

نکته اضافی ۳ (زبان تخصصی): بین افعال وجهی (must) و (have to) تفاوت اندک و خیلی جزئی می باشد اما در شکل های منفی، دارای مفهوم کاملاً متفاوتی هستند

❖ (must not/ mustn't) موقعی بکار میرود که کاری و یا عملی شدت نهی می شود.

20- You must not give my credit card details to anyone.

21- You must not tell this to anyone. It's a secret.

22- I must not eat chocolate. It's bad for me.

❖ (do not have to / don't have to) موقعی بکار می رود که فرد مجبور نیست کاری را انجام دهد (یعنی به اختیار می تواند این کار را انجام بدهد و یا انجام ندهد).

23- You don't have to tell anyone. I will email everyone.

24- She doesn't have to get there on time. The boss is away.

25- You haven't got to wear a uniform to work.

نکته اضافی ۴ (زبان تخصصی) : برای الزام و ضرورت به انجام کاری در گذشته از (had to) استفاده می شود.

26- The car broke down. We **had to get** a taxi.

27- When she got home, she **had to cook** dinner before everyone arrived.

حروف اضافه زمان (preposition of Time) : (in - at - on) :

موارد کاربرد (in) برای زمان:

۱- برخی از قسمت های روز:

in the morning/ in the afternoon / in the evening/

۲- برای ماه ، فصل ، سال ، دهه ، و قرن

in January / in February/ in March,.....

in (the) spring / in (the)summer/ in (the)fall=autumn/ in (the) winter

in Norooz / in 1998 / in 2018 / in the 1980s [دهه هشتاد] [=1980-1989] / in the 18<sup>th</sup> century

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in) برای زمان ، در کتاب های درسی و در حد ککون:

in 2 hours/ in a few minutes / in a week / in the end / in the past / in the future

موارد کاربرد (on) برای زمان:

on Saturday / on Sunday /

on Monday morning / on Tuesday evening / on Christmas Day/

on holiday/ on vacation / اما in the school holidays

on April 18<sup>th</sup>/ on the first of June

موارد کاربرد (at) برای زمان:

at 2 o'clock / at night / at noon / at midnight [نیمه شب] / at midday [نیم روز] / at sunrise

[طلوع آفتاب] / at sunset [غروب آفتاب] /

❖ به تفاوت جمله های زیر دقت کنید (زبان تخصصی)

1- There was heavy rain in the night. [آن شب]

2- There was a storm on Friday night. [شب جمعه]

3- We travelled by night. [شب هنگام/ شبانه]

4- It was 11 o'clock at night when we heard a noise outside.

❖ برخی از کاربردهای دیگر (at) برای زمان در کتاب های درسی و در حد ککون:

at present [در حال حاضر] / at the moment [همین الان] / at that time / at the same time [طور]

at least [حداقل] / at the beginning [در شروع] / at first [ابتدا] / at last [سرانجام] / [همزمان] / once [فوراً] /

at lunch / at dinner time / at the weekend (BrE) [آخر هفته] / on the weekend (Am E)

حروف اضافه مکان (preposition of Place) : ( in - on - next to - in front of )

موارد کاربرد ( in ) برای مکان:

❖ برای شهر، کشور و قاره:

in Rasht/ in Tehran / in London / ...

in Iran/ in the USA/ in France ...

❖ برخی از کاربردهای دیگر (in)، برای مکان، در کتاب های درسی و در حد کتکور:

in a village / in a town / in a city / in a country / in the world / in mountains / in a forest / in the yard / in the street / in the river / in the lake / in the sea / in ocean [اقیانوس] /

in bed / in hospital / in prison [زندان] / in a book / in the picture / in the middle [در وسط] /

in a line [در يك صف، خط] /

موارد کاربرد ( on ) [ روی، در ] برای مکان:

/ on the table/ on the desk / on page 5 / اما at the table / at the desk [پشت ميز]

/ on a chair/ on the wall / on the ground / / on the way [در راه] / on the left [سمت چپ] /

/ on the right [سمت راست] / on the floor [كف اتاق] / / on the bus / on the train / on the plane /

/ on Imam Street / on TV / on the radio / / on the phone / on the farm / on the map /

موارد کاربرد ( next to ) [ جنب، کنار ] برای مکان:

- این حرف اضافه از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

next to the hospital / next to the post office / next to police station / next to the drugstore / / next to the window /

موارد کاربرد ( in front of ) [ جلوی ] برای مکان:

- این حرف اضافه هم، مانند next to از معنی آن مشخص است و مشکلات حرف های اضافه بالا را ندارد.

/ in front of the hospital / in front of the post office / in front of police station /

/ in front of the drugstore / in front of the window /

به تفاوت دو جمله دقت کنید

1-The car is in front of the park. [ماشین جلوی پارک است]

2- The bank is across from / (opposite) the park. [بانک مقابل / روبه روی (آن طرف خیابان) پارک است]



نکته اضافی: حروف اضافه (at) ، (under زیر) ، (over روی) ، (behind پشت) = (at/in the back of) و (between) ... برای مکان استفاده می شوند

at home / at work/ at university/ at the station / at the airport / at the seaside  
 under the desk / under the table / under the bed / under the water/  
 over the table / over the door / over the body  
 behind a chair / behind the door/ behind the car  
 at / in the back of the book  
 between Rasht and Tehran / between the two countries

قید های حالت (Adverbs of manners) :

قید حالت چگونگی و نحوه ی انجام فعل ( اصلی ) را نشان می دهد ، اما صفت يك اسم را توصیف می کند  
 اکثر قید های حالت با اضافه کردن (-ly) به آخر صفت درست می شوند

1-She drives her car carefully.

2- The tourists spoke English perfectly.

قید های بی قاعده : برخی از صفت ها و قید ها به يك شکل هستند . یعنی در حالت قید ی -ly نمی گیرند

صفت (adjective)	قید (adverb)	قید هایی با معنی متفاوت
fast	fast	
hard	hard = [ سخت (زیاد) ]	*hardly [ به زحمت / به ندرت ]
good [خوب]	well [ به خوبی ]	
late [دیر]	late [دیر]	*lately [ اخیراً / به تازگی ]
right [درست و صحیح]	right [بدرستی و بطور صحیح]	
wrong [غلط و نادرست]	wrong [به غلط]	*wrongly
early	early	
high [بلند و مرتفع]	high [ در ارتفاع / در بالا ]	* highly [ بسیار / خیلی ]
straight [مستقیم و صاف]	straight [ بطور مستقیم ]	
free [مجانی و آزاد]	free [ بطور مجانی ]	*freely [ آزادانه ]
loud [صدا بلند]	loud / aloud/ loudly	
	با صدای بلند	

3- Ali is a fast driver. He drives fast.

4- Reza is a hard worker. He works hard. [بعد از فعل اصلی می آید / معنی و مفهوم مثبت دارد]

5- My father is very old. He hardly works.

hardly قبل از فعل اصلی بعد از فعل کمکی می آید / مفهوم منفی دارد]

6- Mina is a good student. She studies well.

7- She was late. She came late to class.

8- That is the right answer. We guessed the answer right.

9- The letter was delivered [تحويل داده شد] to the wrong address.

10-He spelt my name wrong.



11- His name **was wrongly spelt**. [در جملات مجهول می آید] **wrongly** قبل از اسم مفعول فعل

12- They were **early** for the class. They **arrived early**.

13- It was a **high** fence [حصار]. He **kicked** the ball **high** into the air.

14- She is a **highly** educated woman.

15- Her hair is **straight**.

16- He was so tired he couldn't **walk straight**. Let's **go straight** to the airport.

17- Admission **is free** for children under 7. I'm **free** for lunch.

18- Children under 4 can **travel free**.

19- In that country, you can **speak** and **write freely**.

20- The music was so **loud** that I couldn't hear anything.

21- Do you have play the music so **loud**? Can you **speak** a little **louder**?

22- She always **speaks loudly** in the class.

23- Would you **read** the poem **aloud**? [ **read / say / laugh / cry / think** ]

24- You have to speak quite **aloud** for the people at the back. (جمله نادرست)

[Do not use "**aloud**" to mean *in a loud voice*. Use **loudly**]

25- You have to speak quite **loudly** for the people at the back. (جمله درست)

برخی از قید های دیگر که به **-ly** ختم می شوند عبارتند از:

۱- **قید مقدار (adverbs of degree)** : قید هایی هستند که برای توصیف یک **صفت**، **قید** و یا یک **فعل** بکار می روند.

بی [ **completely / extremely** / [ **اندکی** ] **slightly / highly** / [ **نسبتاً** ] **fairly** / [ **کاملاً** ] **absolutely** / **نهایت** ]

... / [ **بطور وحشتناک** ] **terribly** / [ **کاملاً** ] **entirely**

1- I **completely agree** with you.

2- Are you **absolutely sure**?

3- My uncle drives **terribly quickly**.

۲- **قید های تأکیدی (focusing adverbs)**: این قید ها به بخشی از جمله اشاره می کنند و آن را مورد تأکید قرار می دهند

/ **only** / [ **بویژه** ] **particularly** / [ **بویژه** ] **especially** / [ **عمدتاً** ] **largely** / [ **اساساً** ] **mostly** / [ **عمدتاً** ] **mainly** / **really** / ... / [ **صرفاً / فقط** ] **simply**

4- Her illness was caused **mainly by stress**.

5- Some students lose marks **simply because they don't read the question properly**.

۳- **قید های قطعیت و یقین (adverbs of certainty)**: این قید ها نشان می دهند تا چه مقدار از انجام کاری یا عملی اطمینان داریم. در اکثر موارد بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آید.

/ **possibly** / [ **مطمئناً** ] **probably** / [ **مطمئناً** ] **definitely** / **certainly**

6- We **will certainly** win the game.

7- It **will probably** take about a week.

۴- قید های جمله (sentence adverbs): این قید ها کل جمله را توصیف می کنند و معمولاً در اول جمله می آیند.

/ luckily / fortunately [خوشبختانه] / hopefully / unluckily / unfortunately [متأسفانه] / sadly /  
/ honestly [حقیقتاً] / naturally [طبیعی/طبعاً] / obviously [مسلماً] / clearly / ...

8- **Luckily**, no one was killed in the car accident.

9- **Clearly**, the situation is very serious.

10- **Hopefully**, I'll be back home by 10 o'clock.

۵- قید های تکرار (adverb of frequency): بر تعداد دفعات وقوع عمل دلالت دارند در اکثر موارد بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آید. برخی از قید های تکرار در اول جمله یا آخر جمله هم می توانند بکار روند

/ usually / generally [عموماً] / normally [معمولاً] / occasionally [گاهگاهی] / frequently [اغلب] /  
/ hourly [ساعت به ساعت] / daily / weekly / monthly / yearly / ...

11- I **generally** get in to work by 8:00. (قید تکرار)

12- Older patients **frequently** forget to take their medicine.

13- I prefer trousers [شلوار] but I do wear skirts [دامن] **occasionally**.

14- **Occasionally**, things don't go as planned.

15- We **occasionally** see deer [آهو ها] in the field.

16- The database [مرکز داده ها] is updated **hourly**.

نکته های اضافی در مورد قیدها:

در اکثر کلمات، اگر (-ly) به آخر اسم اضافه شود آن کلمه صفت است. برای فهم بیشتر، به نکات زیر توجه شود.

الف) کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند و صفت محسوب می شوند عبارتند از:

/ friend - friendly / love - lovely / cost - costly [گران / گرانها] / coward - cowardly [ترسو]  
/ heaven - heavenly [آسمانی / بهشتی] / chill - chilly [سرد و خنک] / brother - brotherly / sister -  
sisterly /

/ curl - curly [مجمد / فرفری] / earth - earthly [خاکی / زمینی] / man - manly / woman - womanly /

ب) کلماتی که -ly دارند و به اسم افزوده می شوند که هم صفت و هم قید محسوب می شوند عبارتند از:

/ day - daily / week - weekly / month - monthly / year - yearly / night - nightly // body -  
bodily /

/ like - likely [محتمل / احتمالاً]

ج) کلماتی که -ly دارند و به صفت افزوده می شوند و دوباره صفت محسوب می شوند عبارتند از:

/ live - lively [سرزنده و شاداب] / lone - lonely / dead - deadly [کشنده و مرگبار] / elder - elderly /

د) صفت هایی که مثل قید ها، در خود کلمه -ly دارند، اما صفت محسوب می شوند

[احمق / احمقانه] silly - [مقدس] holy - [زشت] ugly

نکات اضافی در مورد املاي قيد ها : موقع افزودن **(-ly)** به آخر صفت، در برخی از کلمات، يك سری تغييرات املايی صورت می گیرد.

1- تبدیل **y** به **i** /happy- happily / /lazy- lazily /

[موزيانه] /sly - slyly / [باکم رويی] /shy- shyly : استثناء

2- simple- simply [به راحتی] comfortable- comfortably حذف **e** از آخر کلمه

3- از نظر [scientific-scientifically] [از نظر اقتصادی] ically economic - economically تبدیل به **-ic** [ علمی ]

public- publicly [استثناء]

۴- اکثر کلماتی که به حرف **(e)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، حرف **(e)** حذف نمی شود.

/polite- politely/ complete- completely / [استثناء] /true- truly/- /whole-wholly [ بطور کامل / کاملاً ]

۵- اکثر کلماتی که به پسوند **(ful)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، به شکل **(-fully)** نوشته می شود.

/careful- carefully/ hopeful- hopefully / /beautiful- beautifully /  
[استثناء]: full- fully [ بطور کامل / کاملاً ]

۶- اکثر کلماتی که به حرف **(l)** ختم می شوند، موقع افزودن **(-ly)**، به شکل **(-lly)** نوشته می شود.

/cruel- cruelly / /final- finally //formal- formally [ بطور رسمی ] /